



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



سبک زندگی در آثار جلال آل احمد

(مورد مطالعه: دید و بازدید عید، خانم نزهت‌الدوله و لاک صورتی)

مهرداد مولایی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

Molaeimehrdad49@yahoo.com

سمیه بناییان دستجردی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی؛ دانشگاه پیام نور.

molaei2016@yahoo.com

چکیده:

طبقات مختلف اجتماع، صاحبان حرف و مشاغل گوناگون، مردمان شهر و روستا و زنان و مردان هر کدام تحت تأثیر ویژگی‌های طبقاتی، تحصیلی، جنسیتی، اقلیمی، دینی، سنی و روانی متفاوت، سبک زندگی ویژه خود را دارند. انعکاس تنوعات سبک زندگی افراد جامعه در فضای آثار داستانی، یکی از ویژگی‌ها و به عبارت درست‌تر از امتیازات داستان نویسی معاصر است.

ادبیات داستانی نوین ایران در عمر کمی بیش از صد سال خود، تجربه‌های متفاوتی را از سر گذراند و نویسندگان بزرگی در این حوزه قلم‌فرسایی کردند. جلال آل احمد نیز از این زمره است. از وی در زمینه‌های مختلف ادبی آثاری بر جای مانده، اما روی سخن در این پژوهش، داستان‌های کوتاه اوست. در این جستار کوشش شده است آثار داستانی آل احمد از منظر جامعه‌شناسی واکاوی شود.

موضوع اصلی مورد توجه در این مقاله، سبک زندگی است. اهمیت فراوان سبک زندگی در حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، و پیامدهای اساسی و مهم ناشی از آن موجب توجه و پرداختن اندیشمندان حوزه‌های مختلف به آن شده و بر همین اساس، علمای حوزه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، پزشکی و ... هر یک به فراخور، بخشی از این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. سعی بر این بوده تا از خلال داستان‌های کوتاه جلال آل احمد، سبک زندگی طبقات مختلف جامعه معاصر ایران بررسی گردد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، سبک زندگی، طبقات اجتماعی، داستان کوتاه، جلال آل احمد



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



مقدمه

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت. با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف‌کنندگان از سوی جامعه‌شناسان بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در این زمینه فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی همچون ماکس وبر^۱، گیدنز^۲، ویلن^۳، بوردیو^۴، پیترسون^۵ و... انجام گرفت. بررسی پیشینه‌های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می‌دهد که سابقه پژوهش در این زمینه به کمتر از بیست سال می‌رسد البته از سال ۱۳۸۰ تاکنون اقبال محققان به سوی این موضوع بیشتر شده است. به گفته فاضلی (۱۳۸۲) گستردگی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب شده است که مرزهای محدود کننده این موضوع لغزنده و مبهم باشد و لذا برداشتهای متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آید که در بررسی‌ها قابل مشاهده است.

امروزه مطالعات بین رشته‌ای به سبب نگاه بیرونی به علوم مختلف و ایجاد ارتباط منطقی بین علوم، از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. جامعه‌شناسی ادبیات از جمله رشته‌هایی است که در این مطالعات قرار می‌گیرد. از طریق جامعه‌شناسی ادبیات می‌توان به سرچشمه‌های اصلی پیدایش ادبیات در جوامع مختلف دست یافت و چگونگی دگرگونی‌ها را در انواع ادبی در دوره‌های مختلف بازشناسی کرد.

تاکنون نگاه ما به ادبیات یا از منظر تاریخی انجام شده است، که موجب نگارش کتاب‌های زیادی تحت عنوان تاریخ ادبیات گردیده است، و یا از منظر سبک و روش و بیان و بدیع بوده که نگارش کتب متنوع با عناوین سبک‌شناسی، معانی، بیان و بدیع را در پی داشته است. چنانچه در مقطعی از زمان به نام و نشان شاعران و مفاخر پرداختیم، کتب تذکره را به زیور طبع آراستیم (مولایی، ۱۳۸۹: ۱۱). آنچه امروزه به عنوان یک ضرورت پژوهشی به نظر می‌رسد بررسی تطبیقی ادبیات است که از خلال آن به رویکردهای فلسفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... نویسندگان و شاعران دست یابیم.

عمر داستان کوتاه در ایران کمتر از صد سال است. اما همین دوره کوتاه سرشار از نکات ژرف و عمیقی است که واکاوی آن خالی از لطف نیست. این نوشتار به بررسی سبک زندگی در داستانهای جلال آل احمد پرداخته می‌پردازد. کاری که در نوع خود کم سابقه است و می‌تواند نویدی بر پژوهش‌های تک‌نگاری در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات باشد.

جامعه‌شناسی ادبیات

پیدایش جامعه‌شناسی ادبیات با نام «گئورگ لوکاج»^۶ پیوند می‌خورد. «لوکاج یکی از تأثیرگذارترین منتقدان سیاسی یا اجتماعی در طول تاریخ است و مخصوصاً اهمیت او، در یافتن پیوندهایی میان رمان‌های بزرگ و مسائل اجتماعی عصر است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵۴)

بعد از «لوکاج»، شاگرد وی «لوسین گلدمن»^۷ که خود از صاحب‌نظران بسیار مهم جامعه‌شناسی ادبیات است، دستاوردهای «لوکاج» را در جامعه‌شناسی ادبیات توسعه داد و خود مکتب جدیدی را تحت عنوان ساخت‌گرایی تکوینی^۸ پی‌ریزی نمود. «میخائیل باختین»^۹، «روبر

- 1- Weber
- 2- Giddings
- 3- Veblen
- 4- Bourdieu
- 5- Peaterson
- 6- Gyorgy Lukacs
- 7- Lucien Goldman
- 8- Structuralisme genetique
- 9- Mikhail Mikhailovich Bakhtin



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



اسکارپیت^۱، «وین.ل. شوکینگ^۲» و ... از دیگر جامعه‌شناسانی هستند که آثار ارزشمندی در جامعه‌شناسی ادبیات نوشته‌اند. در ایران، جامعه‌شناسی ادبیات با جامعه‌شناسی هنر پیوند خورده است و برای اولین بار توسط «امیرحسین آریان‌پور» در سال ۱۳۵۴ در کتابی که با عنوان جامعه‌شناسی هنر انتشار یافت، آغاز گردید. «در سال ۱۳۵۸ نخستین اثر جامعه‌شناسی ادبیات که رساله‌ی دکتری «جمشید مصباحی‌پور ایرانیان» بود، منتشر شد. «ایرانیان» در این کتاب که خود آن را به فارسی ترجمه کرده است، به بحث درباره‌ی چارچوب نظری جامعه‌شناسی ادبیات پرداخته و نظریه ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن را مبنای کار خود قرار داده است.» (کوثری، ۱۳۷۹: ۲۸) تلاش‌های ارزنده و ترجمه‌های موفق محمدجعفر پوینده در معرفی جامعه‌شناسی ادبیات به جامعه‌ی ادبی، فرهنگی و دانشگاهی ایران درخور توجه و یادآوری است. وی با ترجمه‌ی کتاب‌های «لوکاج» و «گلدمن» سهم به‌سزایی در جامعه‌شناسی ادبیات ایران دارد. (مولایی، ۱۳۸۹: ۲۱)

در آثار انگشت شماری که در این حوزه تدوین گردیده، بیشتر به اجتماعات در ادبیات پرداخته شده است و کمتر به آنچه به جامعه‌شناسی ادبیات با تعریفی که در ذیل آمده است، مواجه می‌شویم.

«جامعه‌شناسی ادبیات را می‌توان، مطالعه تولید و توزیع و مصرف ادبیات در مقیاس جامعه» دانست.

تولید ادبی به نویسنده بر می‌گردد و به پایگاه اجتماعی‌اش، به حیثیت شغلی‌اش، به تصویر او در ذهن طبقات اجتماعی، به اقوامی که آثار وی را می‌خوانند، به تأثیری که این اقوام از آن می‌پذیرند، به رابطه‌ای که میان گروه‌های مختلف خوانندگان با جنبه‌های مختلف فکری و فلسفی و روانی و عاطفی او وجود دارد. برد تاریخی و جغرافیایی نویسنده نیز مطرح است. رابطه نویسنده با مردم زمان حال و آینده‌اش، چه در زادگاه وی و چه در بیرون از حوزه زبانی و فرهنگی و سیاسی و ملی نویسنده نیز در حیطه کار تولید ادبی است.

توزیع ادبی عرصه کار ناشر و مراکز پخش اوست، با همه کسانی که سر سفره وی می‌نشینند و با همه ابزارهایی که او در اختیار دارد. ناشر پلی است میان نویسنده و رازها از طرفی و خواننده و نیازها از طرف دیگر.

مصرف ادبی کار مردم است. کار پایگاه طبقاتی و شغل و سواد و ثروت آنهاست، در ارتباط با مکان و زمانشان، با توجه به میل و انگیزه‌شان. وجود خواننده است که نویسنده را نویسنده و ناشر را ناشر می‌کند و از نوشته‌ها پدیده ادبی می‌سازد. (برای مطالعه بیشتر: رک. مولایی، ۱۳۸۹)

سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر^۳، روان‌شناس اجتماعی، مطرح شد. و پس از یک دوره افول، مجدداً از سال ۱۹۶۱ مورد اقبال اندیشمندان به خصوص جامعه‌شناسان قرار گرفت.

روانشناس آلمانی، آلفرد آدلر، در مورد سبک زندگی تعبیر متعددی دارد که بر محققان علوم اجتماعی پس از خود تأثیر زیادی گذاشته است. او می‌گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (آدلر، ۱۹۵۶: ۱۹۱). سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرآیند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن (دادستان، ۱۳۷۶ و محفوظی و دیگران، ۱۳۷۸). سبک زندگی رفتار و منش نیست بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند (پیشین: ۱۷۵) و خود به واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد. (ولمن، ۱۹۸۱).

- 1- Robert Escarpit
- 2- Lvein L.Schucking
- 3- Addler



در ادبیات جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین^۱ ۱۹۹۵؛ چاپین^۲ ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون^۳ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لاش و یوری^۴ ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزه روزافزایش می‌یابد (به نقل از: ابادری، ۱۳۸۱).

جنسن^۵ (۲۰۰۷) معتقد است که بیشتر اوقات این مفهوم بدون آنکه به طور دقیق معنای روش زندگی را بدهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ادبیات این واژه، به روش‌های مختلف تعریف شده و اینکه در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای و فردی قابل اندازه‌گیری است. فرهنگ علوم اجتماعی سبک زندگی را به نوع زندگی یا نوع معیشت ترجمه کرده که منظور چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی است و چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... را شامل می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵). گیدنز (۱۳۸۲) سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می‌داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است.

بوردیو سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت می‌داند از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از سبک زندگی او می‌باشند (پالومتس^۶، ۱۹۹۸).

فیدرستون (۱۹۹۱ به نقل از شهابی، ۱۳۸۶) بدن، لباس، نحوه صحبت کردن، فعالیت‌های فراغتی، ترجیحات خوراکی و نوشیدنی، خانه، اتومبیل، انتخاب مقصد گذران تعطیلات و نظایر این‌ها را شاخص‌های فردیت ذائقه و سبک مورد علاقه مصرف‌کننده می‌دانست.

وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت (تامین، ۱۳۸۳). وبر در تحلیلی چند بعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک‌مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌دانست که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی اند. وبر کارکرد دو گانه‌ای برای سبک زندگی قایل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود. به نظر او سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی، ۱۳۸۲).

وبلن (۱۳۸۶) انگیزش‌های اجتماعی برای رفتار رقابت آمیز و چشم و هم‌چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف‌مدن قرار می‌دهد و با طرح مفهوم طبقه تن‌آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می‌کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی می‌داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف‌تر از نمایش دادن آن می‌داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آن‌ها به دست می‌آید. به نظر او افراد ثروتمند در جوامع کوچک از طریق فراغت خودنمایانه و در جوامع بزرگ و شهری از طریق مصرف خودنمایانه و نمایشی، ثروت خود را به نمایش می‌گذارند. وی به اصل و قانون ضایع کردن تظاهری در جریان مصرف نمایشی اشاره می‌کند که منظور مسابقه و رقابت بر سر هر چه بیشتر پول خرج کردن است. وی پدیده مد را مختص به طبقه بالایی می‌داند که می‌خواهند نشان دهند که برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیستند. او یکی از بهترین زمینه‌های مصرف نمایشی و ضایع کردن تظاهری را مصرف لباس می‌داند.

- 1- Chapin
- 2- Chapman
- 3- Featherston
- 4- Lash & Urry
- 5- Jensen
- 6- Palumets



گیدنز (۱۳۸۳) انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش، و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است.

زیمل متمایز ساختن خود از دیگران - به واسطه مد- را محرک مصرف می‌داند وی کارکرد دو گانه‌ای برای مد قایل است در یک وجه، اعلام تمایل فرد برای متمایز شدن از دیگران و بیان هویت فردی و خواست فردیت است، اما وجه دیگر آن که جنبه طبقاتی دارد، سبب همبستگی گروهی و تقویت انسجام اجتماعی طبقاتی است (میلز^۱، ۱۹۹۶ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲).

بورديو درباره شکل‌گیری سبک‌های زندگی نظریه‌ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدلی که او ارائه کرده است شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می‌شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم یافته ترجیحات افراد است که به صورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند. الگویی غیر تصادفی که ماهیت طبقاتی دارد. او با نشان دادن اینکه سبک‌های زندگی محصول منش‌ها و خود منش‌ها نیز تابعی از انواع تجربه‌ها و از جمله تجربه آموزش رسمی هستند با بیان این نکته که الگوهای مصرف اصلی ترین بروز سبک‌های زندگی اند، ارتباط میان آموزش رسمی در ساختار سرمایه داری و باز تولید آن را تحلیل کرد. عمده ترین میراث اندیشه بورديو برای جامعه شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قریح و مصرف فرهنگی است (فاضلی، ۱۳۸۲).

دوگلاس و ایشرود^۲ (۱۹۹۶) متجلی کردن و ثبات بخشیدن به مقولات فرهنگ را محرک مصرف می‌دانند به نظر آنان چون کالاها وجه نمادین دارند قادرند به عنوان ابزار مبادله و ارتباط به کار گرفته شوند، مصرف کالاها برای حفظ ارتباط و انسجام، جلب حمایت دیگران و ابراز مهربانی کردن لازم‌اند. به نظر کمپل^۳ (۱۹۸۷) مصرف مدرن با مصرف سنتی متفاوت است. مصرف سنتی لذت مصرف اشیاء و انجام اعمال را در خود آن‌ها جست و جو می‌کند اما مصرف مدرن لذت مصرف را در تجربه ذهنی آن دنبال می‌کند و لذت خواستن اشیاء بیش از لذت داشتن آن‌هاست و مصرف کردن چرخه‌ای بی‌انتهاست، زیرا تجربه مصرف کردن همواره از خیال مصرف عقب‌تر است.

پترسون معتقد است که در دوران جدید الگوی مصرفی بروز کرده است که دیگر اعضای طبقات بالا خود را به داشتن یک الگوی مصرف مشخص محدود نمی‌کنند. او این الگوی مصرف را «همه کاره بودن» می‌خواند. در چنین الگوی مصرف جدیدی، طبقات بالا از همه انواع فرهنگ و هنر استفاده کرده و به سلسله مراتب ژانرهای فرهنگی بی‌اعتنا هستند. ملاحظات زیباشناختی که بر مبنای معیارهای فردی تعریف می‌شوند هدایت کردن زندگی و داوری سلیقه‌ها را بر عهده می‌گیرند. وی چنین تحولی را «زیباشناختی شدن زندگی روزمره» می‌خواند (فاضلی، ۱۳۸۲).

در نهایت با جمع بندی تعاریف بیان شده و دیگر تعاریفی که در اینجا نمی‌توان به همه آنان اشاره کرد، مشخصات سبک زندگی را اینگونه برمی‌شماریم:

سبک زندگی الگوهایی از رفتار و کنشها را در برمی‌گیرد که بین افراد تمایز ایجاد می‌کند.

سبک زندگی در چارچوب تعامل بین افراد و معنایی که در این تعامل رد و بدل می‌شود، ظهور می‌یابد.

1- Miles
2- Douglas & Isherwood
3- Campbell



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



سبک زندگی علاوه بر الگوهای رفتاری، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها و جهت‌گیری‌های فرد نیز می‌باشد. به عبارتی؛ علاوه بر جنبه عینی (امور بیرونی)، ذهنیات (امور درونی) را نیز شامل می‌شود.

سبک زندگی فعالیتی انتخابی و روزمره است؛ یعنی فرد در انتخاب آن از اختیار و کنشگری برخوردار بوده، آن را در جریان زندگی خویش عملی می‌سازد.

سبک زندگی از وحدت برخوردار است؛ زیرا مجموعه‌ای از عادات و رفتارها را در بر می‌گیرد که مستلزم انسجام و هماهنگی‌اند.

در شکل‌گیری سبک زندگی، ذائقه مفهومی محوری است. به عبارتی دیگر؛ سبک زندگی بر مبنای یک تمایل و ترجیح یا مجموعه‌ای همگرا از ترجیحات و تمایلات شکل می‌گیرد.

سبک زندگی می‌تواند هم فردی باشد و هم جمعی؛ بدین معنی که هم می‌توان آن را در سطح فردی ملاحظه کرد و هم در سطوح اجتماعی و فرد می‌تواند سبکی متفاوت از جمع داشته باشد.

سبک زندگی حامل روایتی از فرد و هستی اوست و برداشت و تلقی فرد از خویش و ارزش‌هایش را بیان می‌دارد.

زندگی و آثار جلال آل احمد

«زندگی جلال را می‌توان این‌طور خلاصه کرد، «به ماجرا یا حادثه‌ای پناه بردن، از آن سرخوردن و رهاکردنش که خود غالباً به حادثه‌ای انجامیده است. آن‌گاه خلق حادثه‌ای تازه یا به استقبال ماجرای نو شتافتن»

این توصیف کوتاه، تصویر گویایی است از زندگی و روحیات جلال آل احمد. همه‌ی کسانی که وی را می‌شناختند از جسارت تجربه و صراحت بیان او بسیار گفته‌اند. جلال با تقلید و پیروی کورکورانه سر ستیز داشت. از بی تفاوتی و سر در لاک خود داشتن هم می‌گریخت. اهل سازش و مدارا نبود و به مقام و منصب بی‌اعتنایی نشان می‌داد. او فقط عاشق حقیقت و دوست دار انسانیت بود. نمی‌توانست بی عدالتی‌ها را ببیند و دم بر نیآورد. نمی‌توانست آن‌چه را که فهمیده، بیان نکند.

جلال آل احمد با تجربه‌ی ۲۴ سال نویسنده‌گی - که از سال ۱۳۲۴ آغاز شد و تا سال ۱۳۴۸ ادامه یافت - و نوشتن بیش از سی اثر خود را به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار در عرصه‌ی داستان‌نویسی نوین ایران تثبیت کرد. وی با ترکیب ساده‌نویسی نثر هدایت و دهخدا با برخی از خصوصیات نثر سده‌های چهارم و پنجم و با چاشنی سلیقه و استعداد و شخصیت خویش نثر خود را آفرید. ساده‌نویسی و گرایش به زبان گفتار که از مشروطیت به این سو آغاز شده بود در آل احمد به کمال رسید.

به نظر می‌رسد دقیق‌ترین تعریف را در مورد جلال و سبک نوشته‌هایش همسرش به دست داده است: «جلال خیلی شبیه نوشته‌هایش است. اگر جلال در نوشته‌هایش تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، افراطی، خشن، صریح، صمیمی، منزه طلب، و حادثه‌آفرین است، اگر کوشش دارد خانه‌ی ظلم را ویران کند اگر در نوشته‌هایش میان سیاست و ادب، ایمان و کفر، اعتقاد مطلق و بی‌اعتقادی در جدال است، در زندگی روزمره نیز همین‌طور است.»

جلال آل احمد نویسنده‌های مطرح و اثرگذار در ادبیات معاصر ایران است و به دلیل ویژگی‌های فردی و شرایط اجتماعی عصر او، از افرادی است که بحث‌ها و جدل‌های فراوانی را درباره‌ی خود باعث شده است.

از ویژگی‌های مهم آثار جلال این است که بیش از آنکه ویژگی‌های ادبی و داستانی داشته باشند، ویژگی تاریخی و مستند بودن دارند و به همین دلیل، تاریخ و فرهنگ دوران جلال را می‌توان در آثار او خواند و دریافت. داستان‌نویسی از جمالزاده تا امروز، راهی طولانی پیموده و قلم‌هایی زایشگر در حوزه‌ی قالب، موضوع و زبان به جامعه‌ی ادبی معرفی کرده که بی شک جلال آل احمد بر بلندای این قله ایستاده است. در آثار این داستان‌نویس، سه تازگی به چشم می‌خورد: نثر روان و ساده، موضوع‌های حسی، تعهد اجتماعی و آل احمد توانسته است، در هر سه بشایستگی از پس کار برآید.



آل احمد در حیطه علوم اجتماعی ایران تأثیرات گسترده‌ای در مطالعات اجتماعی و فرهنگی داشته است. رویکرد آل احمد به نقش و اهمیت این مطالعات با انگیزه‌ای آگاهانه و دقیق همراه بوده است. او در باب تک نگاریهایش می‌نویسد: «غرضم از چنان کاری از نوشناختن خویش بود و ارزیابی مجددی از محیط بومی و هم به معیارهای خودی...» (به نقل: از آزاد ارمکی و عسگری خانقاه، ۱۳۷۷: ۲۳) آل احمد در این بررسی‌های دم دستی و به ظاهر ساده همیشه به دنبال نکات فرهنگی و تاریخی بوده است. او همیشه در مطالعات خودش به دنبال فهم مسائل بزرگ در مکانهای کوچک بود. رویکرد انتقادی و نگاه عمیق و تیزبین او در فهم و توصیف امور مورد مشاهده سبب شده جایگاه خاصی در مطالعات فرهنگی و اجتماعی به او بدهد (در این مورد ر.ک: آزاد ارمکی و عسگری خانقاه ۱۳۷۷). تک‌نگاریهای او نوشته مهمی از حیات فرهنگی و اجتماعی ایران زمین هستند و عمق فهم و دانش او از آن جامعه باعث شده به خوبی بتواند بخش مهمی از حیات جامعه ایرانی را در آثارش تجلی دهد.

آل احمد در حوزه‌های متعددی به بررسی پرداخته است: حوزه مطالعات فرهنگی؛ جامعه‌شناسی تطبیقی؛ اصول مقدماتی روش منوگرافی و مردم‌نگاری. علت اصلی پرداختن آل احمد به این عرصه‌ها و اطلاعات رسمی و غیر رسمی او از جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مطالعات و دیدگاههای تطبیقی و تجربه سیاسی و دانشگاهی اوست. اما از آنجا که هدف این نوشتار، بررسی برخی آثار آل احمد از منظر سبک زندگی است به تحلیل محتوای چند داستان کوتاه وی بسنده می‌شود.

آثار ادبی جلال به ترتیب زمان انتشار عبارتند از: ۱. دید و بازدید (۱۳۲۴)؛ ۲. از رنجی که می‌بریم (۱۳۲۶)؛ ۳. سه تار (۱۳۲۷)؛ ۴. زن زیادی (۱۳۳۱)؛ ۵. سرگذشت کندوها (۱۳۳۷)؛ ۶. مدیر مدرسه (۱۳۳۷)؛ ۷. نون والقلم (۱۳۴۰)؛ ۸. نفرین زمین (۱۳۴۶)؛ ۹. پنج داستان (۱۳۵۰)؛ ۱۰. سنگی بر گوری (۱۳۶۰).

مجموعه داستان دید و بازدید اولین کتاب ادبی جلال است. او این کتاب را در اسفند ماه ۱۳۲۴ چاپ کرد؛ یعنی در ۲۲ سالگی. غالب داستانهای این کتاب به دلیل بی‌تجربگی نویسنده، چفت و بست محکم داستانی ندارند. خود جلال در مصاحبه با شمیم [نام شخصی است] درباره این کتاب گفته است: «دید و بازدید ... و نوع کارهای این طوری رو بش گفتند گزارش ... این گزارش، یک کمی سرسریه؛ یعنی گزارش آدمی است که فقط توی «دید و بازدید» میتونه بکنه؛ نمی‌تونه عمیق باشه» (آل احمد، بی‌تا: ۶۹).

اما برخلاف این ویژگی کتاب، چون داستان‌های آن مانند دیگر داستان‌های جلال، انعکاسی از اوضاع زمانه و زندگی اوست برای محققان و علاقه‌مندان قابل توجه و در نوع خود برای هر خواننده‌ای جذاب است. کتاب دید و بازدید شامل ده داستان کوتاه است. از این کتاب فقط به داستان دید و بازدید عید می‌پردازیم:

خلاصه داستان دید و بازدید عید

راوی برای دید و بازدید عید به خانه چند نفر دوست و آشنا از اقشار مختلف می‌رود. او در هر خانه به تناسب اهل آن، با اصطلاحات و کلمات ویژه صاحبخانه پذیرایی می‌شود و با بحث‌ها و صحبت‌های خاص آنها روبه‌رو می‌گردد. راوی در گیرودار بازدید عید و در اتوبوس، پروین شلی را می‌بیند و شاهد گریه تنهایی و یا غم و اندوه ناآشنای اوست.

داستان دید و بازدید عید به زمان یکی از نوروهای بعد شهریور ۱۳۲۰ و جنگ جهانی دوم تا نوروز ۱۳۲۴ اختصاص دارد؛ یعنی وقتی که متفقین ایران را اشغال کردند. راوی در چنین عیدی به دید و بازدید شاعر و ادیب آشنایش، مادر بزرگ و پیرزن فامیل، روحانی سرشناس شهر و یا محله و رئیس اداره‌اش می‌رود و در آنها خواننده با تیپ خاص هر کدام از شخصیت‌ها روبه‌رو می‌شود. داستان دید و بازدید ما را با تیپ آدم‌های سه قشر ادیب، روحانی، مسئول، مادر بزرگ و مردم عادی دهه ۲۰ هجری روبه‌رو می‌کند. تعارف‌های پرتلمطراق و فضل‌فروشی‌های قشر ادیب و هنرمند، عربی‌زدگی و مقدس‌مآبی قشر مذهبی، دروغ‌گویی و تازه به دوران رسیدگی قشر مسئول، سادگی و نداری قشر عامه و غم و اندوه آنها، داستان‌وار و در حجم داستان کوتاه در داستان دید و بازدید عید بازگو می‌شود.

خلاصه داستان خانم نزهت‌الدوله

خانم نزهت‌الدوله وصف حالی است از زنی اشرافی که سه بار شوهر کرده اکنون در آرزوی شوهر چهارم است. او برای زیبایی خود و کشاندن توجه دیگران به سوی خود مثل ریگ پول خرج می‌کند. شوهرهای نخستین تا سومین او والی، افسر و یکی از سالاران عشایر غرب بوده



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



اند که همگی سرش را کلاه گذاشته اند. اکنون که در جستجوی شوهر آرمانی خود به در و دیوار می زند، مانعی در برابر اوست: «دماغش گرچه خیلی باریک است ولی... ای... بفهمی نفهمی میلی به سمت راست دارد.» به فکرش می رسد که «تنها مانع بزرگ در راه وصول به شوهر آرمانی عیب کوچکی است که در دماغ اوست و این روزها در این فکر است که برود و با یک جراحی «پلاستیک» دماغش را درست کند.»

خلاصه داستان لاک صورتی

در لاک صورتی زندگانی عنایت‌الله، کاسب دوره گرد، و زنش به روی صحنه می‌آید. آنها زندگانی آرامی دارند تا روزی که بی مقدمه گذر زنش به خیابان لاله زار می‌افتد و با دیدن پسرک لاک فروش که حتی انگشت های پاهای برهنه‌اش را نیز لاک کرده و سوسه می‌شود. چرا که نباید او نیز مانند دیگر زن‌های شیک‌پوش خود را زیبا کند؟ با فروش کت و کفش کهنه‌ی شوهرش لاک صورتی می‌خرد و خود را می‌آراید. ولی شوهرش از این کار خشمگین می‌شود و او را زیر لگد می‌اندازد و سرانجام با میانجیگری استاد رجبعلی- همسایه‌شان- کار به آشتی پایان می‌گیرد. «فردا صبح، هاجر، لاک ناخن‌های خود را با نوک موچین قدیمی خود تراشیده و شیشه‌ی لاک را توی چاهک خالی کرد.»

مقایسه سبک زندگی طبقات اجتماعی در داستانهای مورد مطالعه

برای بررسی سبک زندگی ابتدا به مؤلفه‌های سبک زندگی در بین طبقات اجتماعی اشاره‌ای مختصر می‌شود.

لاروک (۱۳۸۵) در زمینه رابطه سبک زندگی با طبقه اجتماعی معتقد است که تعلق به یک طبقه اجتماعی را می‌توان از روی سبک زندگی شناخت، چرا که سبک زندگی طبقات با هم‌دیگر متفاوت است. رابطه طبقه و سبک زندگی از دو جهت قابل بررسی است: ۱- سبک زندگی به میزان درآمد بستگی دارد. استفاده از درآمد وسیله‌ای است برای رسیدن به نقش‌هایی که میزان مشخصی وجهه ایجاد می‌کند علاوه بر آن درآمد نه تنها موجب سطح زندگی مشخصی است، بلکه وسیله قبول و پذیرش سبک زندگی معینی نیز هست و مشابه بودن سطح زندگی در بین تعدادی از مردم، نوعی رابطه بین آنها ایجاد می‌کند که آنان را از کسانی که سطح زندگی بالاتر یا پایینتر از آنها دارند، متمایز می‌کند. البته گاهی ممکن است افرادی که سطح درآمدی مشابه دارند، از نظر سبک زندگی مشابه نباشند به عبارت دیگر سطح درآمدی یکسان، سبک زندگی مشابه را در پی نداشته باشد و علت این امر به چگونگی استفاده و هزینه کردن درآمد مربوط است، و در مقابل افرادی که درآمدهای یکسانی ندارند ممکن است سبک زندگی مشابهی داشته باشند. ۲- چگونگی استفاده از درآمد غالباً مبین سبک زندگی است. خانواده‌های با درآمد مشابه و یکسان غالباً درآمد خود را در جهات و امور متفاوت هزینه می‌کنند. برخی برای خوراک و احتیاجات اولیه نسبت بیشتری هزینه می‌کنند و برخی سهم بیشتری را خرج مسکن، اتاق پذیرایی، ناهارخوری، لباس و مانند آن می‌کنند و این تفاوت در بهره‌برداری از درآمد بستگی به این دارد که فرد به کدام گروه و طبقه اجتماعی تعلق دارد. مثلاً در مورد مسکن، اینکه فرد خانه شخصی داشته باشد یا در آپارتمان اجاره‌ای زندگی کند یا در چه محله‌ای سکونت کند تا حد زیادی به گروه و طبقه‌ای که فرد متعلق به آن است، بستگی دارد. در مورد لباس، در بسیاری از جوامع نوع لباس نشانه بستگی فرد به یک گروه اجتماعی معین است. حتی انتخاب نوع غذا، نوع مشروب، ساعات سرو غذا و ترتیب غذا خوردن نیز تا حد زیادی در گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است. در مورد ورزش نیز برخی از ورزش‌ها مختص طبقات متوسط یا بالاست. البته عامل اساسی در این جریان، تحصیلات و سبک تعلیم و تربیت است. از آنجا که میزان تحصیلات نقش هر کس در جامعه را مشخص می‌کند و همچنین تعیین‌کننده درآمد و نحوه استفاده از درآمد است و شاید به همین علت، سطح تحصیلات و نوع مدرسه‌ای که فرد در آن آموزش دیده، عامل اساسی تعیین‌کننده طبقه اجتماعی اوست.

در داستان‌های مورد مطالعه تفاوت سبک زندگی را در طبقات مختلف در نوع مصرف و ملزومات خانه، آرایش و تفریحات و آداب صحبت کردن و روابط بین افراد خانواده و... شاهد هستیم. تفاوت نوع معیشت و آداب اجتماعی و نوع مصرف دو گروه غنی و فقیر را در جدول (۱) ملاحظه می‌شود.



ISC
International Science Center
96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



جدول ۱- مصادیق تفاوت نوع معیشت و آداب اجتماعی در داستان‌های مورد مطالعه

مصادیق در داستان‌های مورد مطالعه	طبقه اجتماعی	مؤلفه‌های سبک زندگی
<p>در یک گوشه‌ی اتاق به روی میز کوچکی، بیش از ده پانزده گلدان پر از گل‌های درشت، ... مبل‌ها ردیف و تمیز، کارد و چنگال‌ها براق و گلدان‌های نقره‌ی روی بخاری درخشانده ... «...در دیوار از تابلوهای بزرگ رنگی و قالیچه‌های کوچک ابریشمی و قطعات خوش خط و زیبا «... «...یک میز دیگر، کمی کوچکتر، که مبل‌های ارزان‌تری بدور آن چیده شده بود... «...نهمیدم چطور از خانه در رفتم خود را از چنگال مبل نشین‌ها رها کردم...» سه روز تمام، مرغ و گوشت و سبزی و میوه و مشروب به شمیران می‌بردند و خلاصه از هیچ خرجی مضایقه نکردند... شراب را از توی قدهای گلسرخی بزرگ ، با ملاقه های طلا کوب، توی لیوان‌های تراش دار باریک و بلند می‌ریختند؛ و به جای همه چیز ، بوقلمون سرخ کرده روی میز بود. و شیرین پلو و خاویار... میز شام را به صورت T چیده بودند که درازای آن بیست و یک متر بود ... قالی ها و مبل ها و پرده ها ، هر کدام زینت یک موزه بودند. هر اتاقی «رادیوگرام» و یخچال و «کولر» جداگانه داشت</p>	<p>غنی و متجدد</p> <p>ملزومات زندگی</p>	
<p>«...خوب ننه جون بیا این بالا رو دسک بشین دهننتو شیرین کن...» حالام میبینی هنوز کرسی مو و نداشتیم میان اطاق وسط یک سینی برنجی ضخیم و بزرگ بساط عید چیده شده بود: یک کاسه چینی نقش و نگاردار نسه بزرگ که آب زردرنگی، که...» یک شیشه گلاب که هنوز پنبه سر آن برداشته نشده بود، در گوشه دیگر جا داشت. یک بشقاب خرما و یک شیرینی خوری بلور پایه‌دار و دور کنگره‌ای پر از نقل بید مشک هم شیرینی عید این بساط بود. «خورده نونی» یک نصفه خیار پیدا کرده بود. باچاقو کله‌ای که از جیب پشتش در آورد، قسمت دم خورده و کثیف آن را گرفت. یک گاز محکم...</p>	<p>فقیر و مذهبی</p>	

چنانچه از جدول فوق استنباط می‌گردد دو طبقه اجتماعی مورد مقایسه قرار می‌گیرند. ملزومات زندگی در قشر ثروتمند جامعه و فقیر تفاوت فاحش دارد. چنانکه ذکر شد، در داستان دید و بازدید عید، هر دو قشر مرفه و فقیر و متجدد و مذهبی حضور دارند. در داستان خانم



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



نزهدت‌الدوله با یک زن اشرافی مواجه هستیم و در داستان لاک صورتی زن فقیری به تصویر کشیده می‌شود که منتهای آرزویش داشتن لاک صورتی است و اندک وسایل موجود مستهلک خود را می‌فروشد تا برای لحظه‌ای دلخوش باشد... در جدول (۲) طرز سخن گفتن افراد بررسی شده است.

جدول ۲ مصادیق طرز تکلم افراد در داستان‌های مورد مطالعه

مؤلفه‌های سبک زندگی	طبقه اجتماعی	مصادیق در داستان‌های مورد مطالعه
آداب گفتگو	غنی و متجدد	<p>- سلام حضرت استاد تشریف دارند؟ بفرمایید فلانی است.</p> <p>به به! سلام آقای من! گل آوردی؛ بیا جانم! گل آوردی؛ لطف کردی؛ بیا جانم! بیا بنشین پهلوی من و از آن بهاریه های عالی که همراه داری برای ما بخوان، بخوان تا روحمان تازه شود. ما که فقط به عشق شما جوانها زنده ایم ...</p> <p>- بله. دولت هیچ « اوتوریته » ای از خود نشان نمی‌دهد یعنی تقصیری ندارد. « شاکن پورسوا » کار می‌کند و هیچکس در فکر اجتماع نیست. همه تنها « کریتیک » و هیچیک عمل « پوزیتوو » ی از خود بروز نمی‌دهد.</p> <p>روزنامه نویس که دهانش پر بود بمیان حرف او دويد: ای آقا! از چه دولتی پشتیبانی کنی؟ دولتی که اینقدر « پرسونالیتیه » ندارد که به تلفن یک منشی فلان سفارتخانه اهمیت ندهد و دهان مطبوعات را که رکن چهارم، بعقیده من رکن اول آزادی یک ملت « دموکرات » است نبندد، کجا قابل پشتیبانی است؟ اگر جرات کار ندارد چرا مانده است؟ تشریف ببرد. و اگر دارد چرا بحرف هرکس ناکس گوش میدهد؟</p> <p>- سلام حضرت استاد بزرگوار. از صمیم قلب تبریک عرض می‌کنم. وظیفه وجدانی بنده است که همیشه خاک در گاهتان را سورمه چشم کنم. ولی چقدر رو سیاهم که این قدر قصور ورزیده ام. امیدوارم خواهید بخشید.</p> <p>- خیلی مشعوف شدم. خیلی باید ببخشید. مصدع اوقات شده بودم. امیدوارم در سال جدید استفاضات و استفادات و</p>
فقیر و مذهبی		<p>علیک سلام ننه جون - عیدت مبارک - صدسال به این سالها. زیر سایه امام زمون، کربلای معلا، نجف اشرف. ننه جون مگه عیدی بشه و سالی بیاد و بره که این ورا پیدات بشه! چرا سری باین ننه جونت نمیزی؟</p> <p>ننه جون خیلی خوش اومدی. چی بگم؟ منکه بلد نیستم بشما فکلیا بگم: تبریک - چه میدونم - تبریک عرض میکنم. ما قدیمیا دیگه کجا این حرفها رو بلد میشیم؟</p>



- وای ننه جون. نمیدونی امسال چه زمس سونی بمن گذشت! هی بید بید مس خایه حلاجی لرزیدمورا رفتم. تنهایی تو این اطاق درن دشت آروارهام رو هم خورد که مردم. خاکه های توی کته تموم شد و زمس سون تموم نشد. وای ننه جون نمیدونی

همه یا الله گفتند و جلوی پایم بلند شدند. - اسعدالله ایامکم . - صبحکم الله بالخیر. - عید کم سعیدا. آقا میفرمود: - این رسم از زمان مرحوم والد درین خانه مرسوم شده - وزیر لب زمزمه کرد « رحمه الله علیه » - و بعد فرمود: - آن مغفور از حاشیه کتاب « شرح دعای سمات », طرز ساختن و آداب این آب دعای مجرب را آموخته بود و هر سال ازین آب دعا بدست مبارک خودش درست می کرد

«کاسه بشقاب نمی خای؟ خودت بگو، خدا رو خوش میآد من تو کوچه ها سگ دو بزمن و شماها کاسه بشقابتونو از بازار بخرین نون منو اجر کنین؟»

«خوب چه کنم داداش؟! اما که کف دستمونو بو نکرده بودیم که بدونیم تو امروز از این جا رد میشی...»

از بررسی جدول فوق می توان رسوخ فرهنگ غرب و عربی مآبی را در کلام طبقه مذهبی و متجدد با سادگی و عوام زدگی طبقه فقیر در تقابل قرار داد.

جدول ۳ مصادیق تفاوت آرایش زنان در داستان های مورد مطالعه

مؤلفه های سبک زندگی	طبقه اجتماعی	مصادیق در داستان های مورد مطالعه
آرایش زنان	غنی و متجدد	<p>هفته ای یک بار به آرایشگاه می رود و چین چروک های پیشانی و کنار دهان و زیر چشمهایش را ماساژ می دهد. موهایش را مثل دخترهای تازه عروس می آراید؛ یعنی با سنجاق و گیره بالا می زند. پیراهن های «اورگاندی» و تافته می پوشد، با سینه های باز و دامن های «کلوش». و روزی یک جفت دستکش سفید هم عوض می کند...</p> <p>ماهی پانصد تومان خرج توال و ماساژ را که نمی شود با یک خنده گل و گشاد به هدر داد! باری، موهایش را هفته ای یک بار رنگ می کند....</p> <p>سعی می کرد روز به روز جوان تر باشد. ماهی یک کرسست عوض می کرد؛ پستان بندهای جورواجوری می بست که سفارشی؛ در کارخانه های سوییس، به اندازه سینه خانم بودند و متخصص مو آرایشگر و همه جور محصولات الیزابت آردن که به جای خود، هر روز و هر ساعت پای تلفن بود و خبر می گرفت که آخرین تغییرات مد چه بوده و برای سر و صورت و لب و ناخن؛ چه رنگ های تازه ای را به جای رنگ های قدیمی جایگزین کرده اند....</p> <p>صبح تا شام وقتش را جلوی آینه، یا در حمام، یا پای میز غذا می گذراند. آرایشگرها و ماساژورها را با ماشین خانم به خانه می آوردند که به دستور آن ها روزی سه ساعت گوشت خام و گوجه فرنگی روی صورتش می گذاشت و اصلا از خانه بیرون نمی رفت و گوشش به صدای قشنگ خواهر شوهرش عادت کرده بود که می رفت و می آمد و می گفت: «به به! چه پوستی! چه طراوتی! خوش به حال برادرم!»</p>



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد زنجان



<p>زن ها با چادر نمازهای گل و بوته دار و لب های قرمز قرمز و ابروهای تابنا، و... هاجر شاید بیست و پنج سال داشت. چنگی به دل نمی زد؛ ولی شوهرش به او راضی بود. هاجر نمی دانست لاک ناخن را به این آسانی می توان از دست فروش ها خرید. آهسته آهی کشید و در دل، آرزو کرد که کاش شوهرش لاک ناخن هم به بساط خود می افزود و او می توانست، همان طور که هفته ای چند بار، یک دوجین سنجاق قفلی از بساط او کش می رود... ماهی یک بار هم لاک ناخن به چنگ بیاورد. تا به حال، لاک ناخن به ناخن های خود نمالیده بود؛ نمی دانست چرا، ولی دیده بود که خانم ها لاک های رنگارنگ به کار می برند. او، لاک صورتی را پسندیده بود. رنگ قرمز را دوست نداشت. بنفش هم زیاد سنگین بود و به درد پیرزن ها می خورد. از تمام لوازم آرایش، او جز یک وسمه جوش و یک موچین و یک قوطی سرخاب چیز دیگری نداشت. وسمه جوش و قوطی سرخاب، باقی مانده بساط جهیز او بود و موچین را از پس اندازه های خود خریده بود. تهیه کردن سفیداب هم زیاد مشکل نبود. کولی قرشمال ها همیشه در خانه داد می زدند. یکی دوبار، هوس ماتیک هم کرده بود، ولی ماتیک گران بود، و گذشته از آن، او می دانست چه گونه لب خود را هم، با سرخاب، لی کند. کمی سرخاب را با وازلینی که برای چرب کردن پشت دست های خشکی شده اش، که دایم می ترکید، خریده بود، مخلوط می کرد و به لب خود می مالید. تا به حال سه بار این کار را کرده بود. مزه این ماتیک جدید زیاد خوش آیند نبود؛ ولی برای او اهمیت نداشت.</p>	<p>فقیر و مذهبی</p>
---	---------------------

بی هیچ توضیحی تفاوت فاحش میان دو قشر فقیر و غنی را در نوع آرایش و میزان هزینه مصرف شده در میان زنان متمول و فقیر
از خلال دو داستان خانم نزهت الدوله و لاک صورتی شاهد هستیم.

جدول ۴ مصادیق تفریح و اوقات فراغت در داستان های مورد مطالعه

مصادیق در داستان های مورد مطالعه	طبقه اجتماعی	مؤلفه های سبک زندگی
<p>باری ، به همه شب نشینی ها می رفت ؛ مهمانی های خصوصی می داد ؛ روزهای تعطیل ، دوستانش را با ماشین های وزارتی پدرش به گردش می برد و با مهری که از شوهر سابقش گرفته بود ؛ آن قدر پول داشت که در هر فصل بیست و یک دست لباس بدوزد... تابستان ها به ایل رفتن و سواری کردن و مثل مردها تفنگ به دوش انداختن و چکمه به پا کردن و زمستان ها در مجالس شبانه ، با نماینده های مجلس و شوهر ایده آل آخری ،خانم در یکی از نقاط شمیران خانه ای اجاره کند که دنج باشد و دور از گرما ، تابستان را سر کنند و برای پاییز به شهر برگردند...</p>	<p>غنی و متجدد</p>	<p>تفریح و اوقات فراغت</p>
<p>بیش از سه روز نتوانستند امام زاده قاسم بمانند. هاجر صبح روز چهارم، دوباره بفرجه خود را بست، و گیوه نوی را که وقتی می خواستند به این بیلاق سه روزه بیایند، به چهار تومان و نیم از بازار خریده بود، ور کشید و با شوهرش عنایت الله به راه افتادند.</p>	<p>فقیر و مذهبی</p>	



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



عصر یک روز وسط هفته بود. آفتاب پشت کوه فرو می‌رفت و گرمی هوا می‌نشست. زن و شوهر، سلانه سلانه، تا تجریش قدم زدند. در آن جا هاجر از اتوبوس شهر بالا رفت؛ و شوهرش، جعبه آینه به گردن، راه نیاوران را در پیش گرفت. می‌خواست چند روزی هم در آن جا گشت بزند. در این سه روزی که امام زاده قاسم مانده بودند، نتوانسته بود حتی یک تله موش بفروشد.

خانواده فقیر اگر به امام زاده قاسم هم برود بیشتر برای انجام کار و یا رفع حاجت است؛ بیلاق سه روزه هاجر در مقابل ماه عسل زهت‌الدوله شکاف طبقاتی را به وضوح بیان می‌کند.

جدول ۵ مصادیق تفاوت نوع خوراک در داستان‌های مورد مطالعه

مؤلفه‌های سبک زندگی	طبقه اجتماعی	مصادیق در داستان‌های مورد مطالعه
نوع خوراک	غنی و متجدد	شکم‌ها پیش، سرها عقب، پاها به زیر میز دراز، دست‌ها در پس پیش رفتن و آرواره‌ها در جنبش؛ نماینده مجلس، نمایانم در دنبال چه سخنانی، که من چون پسته میشکستم ملتفت نشدم؛ وارد سیاست شده بود.. شراب را از توی قدهای گلسرخی بزرگ، با ملاقه‌های طلا کوب، توی لیوان‌های تراش دار باریک و بلند می‌ریختند؛ و به جای همه چیز، بوقلمون سرخ کرده روی میز بود. و شیرین پلو و خاوبار، چیزهایی بود که اصلاً کسی نگاهشان هم نمی‌کرد.
	فقیر و مذهبی	شاید بدت اومده که چرا گندم شادونه جلوت گذوشتم؟ ها؟ ای قرتی! این قرتی باز یارو بنداز دور. مس بچه آدم تخمه بشکن ... خانم بزرگ یک اسکناس بمن عیدی داد و جیب‌هایم را نیز از نقل و شیرینی و گندم شاهدانه پر کرد. به مردم آب دعا میداد. همه تبرک میکردند که تا آخر سال بیمار نشوند. گلاب هم به سر روی خود میزدند و با خرما، واگر هم پرروتر بودند، با نقل دهان خود را شیرین می‌کردند.



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



جدول 6 مصادیق مصارف فرهنگی در داستان‌های مورد مطالعه

مصادیق در داستان‌های مورد مطالعه	طبقه اجتماعی	مؤلفه‌های سبک زندگی
<p>- به! مگه ممکن است؟ من میدونم که هیچ وقت بی شعر پیش من نمی‌آیی. زود باش جانم.</p> <p>میان کتابها و مجلاتی که در آن کنار بروی میز انباشته بود و برای جوان تازه کاری مثل من دلیل پر کاری و بی خوابیهای حضرت استاد بود، سرخی پشت جلد مجله های تبلیغاتی چشم را میزد.</p> <p>- بله خیلی خوب شد آقای مدیر روزنامه - م - هم تشریف آوردند و من تا اندازه‌ای میتوانم یقین داشته باشم در...</p> <p>شاعر شهیر، آن ته در میل فرورفته بود و گاه گاه دهن دره میکرد و شاید برای عکس جوانی استاد که در آن بالا روبروی او بر دیوار بود، در مغز خود شعر میساخت که فردا در مجله « شعر جدید » چاپ کند.</p> <p>ولی من درین فکر بودم که گویا همه سال از وقتی که این آقا اسم و رسمی پیدا کرده، دو سه روز پیش از نوروز چنین اعلانی از او در روزنامه ها دیده ام. و پس از تعطیل ایام عید معلوم شده بهیچ گوری تشریف نبرده بوده اند ... و بعد تصمیم گرفتم به محض اینکه فرصت پیدا کنم شماره های پیش از نوروز روزنامه های این چند ساله را یک مرتبه دیگر ببینم.</p> <p>هر اتاقی «رادیوگرام» و یخچال و «کولر» جداگانه داشت</p> <p>خانم نزهت الدوله ، البته به سواد و معلومات نمی توانست چندان عقیده ای داشته باشد. خودش پیش معلم سرخانه ، چیزهایی خوانده بود. شوهر خواهرش که وزیر شده بود ، چندان با سواد و معلومات نبود</p>	<p>غنی و متجدد</p>	<p>مصارف فرهنگی روزنامه، کتاب و ...</p>
<p>خوب ننه جون بیا این بالا رو دسک بشین دهننتو شیرین کن. شما، تازگی، ننه، از پسرکم کاغذ ماغذی ندارین؟ نمیدونم کی میادش....</p> <p>خوب ننه جون از جنگ منگ چه خبر داری؟ این حسنه، بچه رختشور ما شبا تو پاقایق پای رادیوله؟ رادیونه؟ چیه؟ ... پاش وای میسه و برا ما خبر میاره.</p> <p>وقتی به شهر آمده بود، سواد چندانی نداشت. یکی دو سال به کلاس اکابر رفت و بعد هم با خواندن روزنامه‌هایی که یک مشتری روزنامه فروشش می‌آورد، به راه راست و چپ این چند ساله را کم کم می‌شناخت. اول به کمک مشتری روزنامه فروشش، ولی بعدها یاد گرفته بود و نوشته‌های روزنامه را با زندگی خود تطبیق می‌کرد. و نتیجه می‌گرفت. خود او چپ بود، چون پینه دوز بود-خود او این گونه دلیل می‌آورد-ولی دلش نمی‌آمد حافظ را رها کند و وقت بی‌کاری خود را به کارهای دیگری بزند.</p>	<p>فقیر و مذهبی</p>	



به نظر می‌رسد آگاهی اجتماعی با میزان ثروت رابطه مسقیم نداشته . افراد فقیر هم درصدد فراگیری و افزایش آگاهی خویش از رسانه ها بهره‌مند می‌شوند. طبقه مرفه از گرام و روزنامه و کتاب به عنوان کالای تجملی استفاده می‌کنند در حالی که فقرا به منظور آگاهی از کتاب و روزنامه بهره‌مند می‌گردند. شاهد این مدعا در اعلانی که آقای ب رئیس اداره دوست راوی برای عید داده بود مشهود است. این طرز استفاده را با دیدگاه چپ‌گرایانه استاد رجبعلی که از مطالعه روزنامه به دست آورده مقایسه کنید.

بررسی تمام وجوه سبک زندگی در داستانهای جلال آل احمد از مجال اندک این نوشتار بیرون است. در ادامه تنها به مقایسه سبک پوشاک افراد جامعه در سه داستان مذکور می‌پردازیم و بررسی بیشتر را به مجالی دیگر موکول می‌نماییم

جدول ۷ مصادیق تفاوت نوع پوشاک در داستان‌های مورد مطالعه

مصادیق در داستان‌های مورد مطالعه	طبقه اجتماعی	مؤلفه‌های سبک زندگی
<p>پیراهن های «اورگاندی» و تافته می پوشد ، با سینه های باز و دامن‌های «کلوش».و روزی یک جفت دستکش سفید هم عوض می‌کند.</p> <p>سعی می‌کرد روز به روز جوان‌تر باشد. ماهی یک کرست عوض می‌کرد؛ پستان‌بندهای جورواجوری می بست که سفارشی؛ در کارخانه‌های سوییس، به اندازه سینه خانم بودند و متخصص مو آرایشگر و همه جور محصولات البزابت آردن که به جای خود ...هر روز و هر ساعت پای تلفن بود و خبر می‌گرفت که آخرین تغییرات مد چه بوده...</p> <p>آن قدر پول داشت که در هر فصل بیست و یک دست لباس بدوزد و هفته‌ای یک جفت کفش بخرد.</p> <p>راجع به فر موهایش که چه قدر قشنگ بود ، حرف زد و از خیاطی که پیراهن به آن زیبایی را برایش دوخته بود ، نشانی گرفت .</p> <p>به وسیله یکی از خواهرزاده هایش که برای تحصیل به فرنگ رفته بود -یک دست لباس کامل عروسی وارد کرد که بست و یک متر دنباله داشت .</p>	<p>غنی و متجدد</p>	<p>نوع پوشش</p>



یکی دو نفر که یا زورشان آمده بود کفش هایشان را در بیاورند و با از وصله جوراب هایشان خجالت می کشیدند، با کفش همان دم در اطاق نشسته بودند.

یکی از آن یاروها، که با کفش دم در نشسته بود و یک پاپیون با یخه آهاردار گردنش را شق نگه داشته بود از این آب دعای مجرب نخورد که نخورد.

دو سه بچه کوچک و بزرگ و به دنبال آنها یک دختر پا به بخت و رسیده که از زیر پیراهن عید، پستان هایش تازه سرزده بود؛ و به دنبال او یک زن و مرد، نه چندان شیک پوش و عالی، بلکه دهاتی وار و امل، بالا آمدند و صندلی های پشت سر مرا گرفتند و بدنال خود نیز خش خش لباس های اطلس و آهاردار خود را به صندلی ها بردند.

خیلی خسته بود. با عصبانیت فریاد می کرد. در هر ده قدم یک بار، خورجین سنگین خود را به زمین می نهاد و با آستین کت پاره اش، عرق پیشانی خود را می گرفت.

فقیر و مذهبی

نتیجه گیری و پیشنهادات:

به طور قطع «آدمی جهان خارج را از خلال دنیای اجتماع می بیند و می شناسد. شخص نه تنها در اجتماع رفتار و اعمال خود را نسبت به دیگران، و در ارتباط و با توجه به آنان تنظیم می کند، بلکه در حالت انزوا و تنهایی نیز در نتیجه تأثیر بنیادی و دیرپایی که قبلاً اجتماع در افکار و عقایدش نهاده، شخصیت و رفتار و اندیشه و اعمال خود را به معیار داوری دیگران و به اصطلاح بر حسب افکار عمومی محیط خود، گروه های داوری جامعه ی خود می سنجد و ارزیابی می کند» (تراپی، ۱۳۷۰: ۲۰).

پیدا است که تعیین مواضع فکری و پیشبرد انگاره های انسانی همواره از مجاری جامعه برای افراد میسر می شود. اگر همبستگی و ارتباط میان همه ی ساختارهای اجتماعی منطبق به کارکردهای آن ها فراهم آمده باشد، قدر مسلم فرد به خود معرفتی، و آن گاه به عقل گرایی مبتنی بر معرفت شناختی جامعه دست می یابد. و از این طریق قادر می شود تا بر اساس نیت فکری و سنخ آرمانی جامعه گام بردارد و همچنین در تثبیت ارزش های اجتماعی و فرهنگی به موازات هویت ملی به عنوان یک مبارز و روشنفکر اجتماعی اقدام نماید.

پس آن چه در درجه ی اول حائز اهمیت است، این است که فرد بتواند جایگاه واقعی خود را در جامعه به درستی کشف کند. و نسبت به میراث تاریخی و هنجارهای اجتماعی علم کافی نیز داشته باشد. بدیهی است در غیر این صورت او نمی تواند با انگیزه های معقولانه ی نظام اجتماعی هماهنگ و همسو شود و از ابزارها و امکاناتی که جامعه از طریق نهادهای اجتماعی چون خانواده، آموزش و پرورش، زبان، ادبیات، اقتصاد، سیاست، دین و مذهب و ... در فرصت های مناسب زندگی در اختیارش قرار می دهد بهره ی کافی ببرد. او باید بداند که هر یک از این نهادهای اجتماعی، دریچه یی است به سوی استنباط و استدراک درست حقایق و وقایع جهان. و دقیقاً بر همین مبناست که می توانیم همچون دیلتای معتقد باشیم که «ادبیات یکی از ابزار درک جهان است» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۳۰). و چون جلال آل احمد باور کنیم که «اصیل ترین اسناد تاریخ هر ملتی ادبیات است مابقی جعل است» (اسکارپیست، ۱۳۸۷: ۴). چرا که «ادبیات نهادی اجتماعی است و نیز از زبان به عنوان وسیله ی بیان استفاده می کند که آفریده ی اجتماع است. ادبیات زندگی را به نمایش در می آورد، و زندگی تا حدود زیادی یک واقعیت اجتماعی است» (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۹۹).

همه عمیقاً باور داریم که به دلیل تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از محیط و اجتماع، و همچنین تأثیرگذاری آنان بر اجتماع رابطه یی دو سویه وجود دارد. به همین خاطر «شناخت و تحلیل آثار ادبی و نیز شناخت و تحلیل زندگی آفرینندگان این آثار بدون بررسی و تحلیل جامعه



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



و فرهنگی که در سایه ی آن نشو و نما یافته اند، میسر نیست. بنابراین تحقیق و تدقیق در نحوه ی معیشت، روابط اجتماعی، باورها، شکست‌ها و پیروزی‌ها، دردها و شادی‌ها و در کل، فراز و نشیب‌های جامعه‌یی که هنرمندان در آن می‌زیند، بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر زندگی و آثار او را میسر می‌سازد» (صارمی، ۱۳۸۲):

دقیقاً بر مبنای همین اعتقاد علمی است که بسیاری از نکات توسط منتقدان از لابه لای متون و آثار ادبی کاویده می‌شوند. واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که آثار ادبی و هنری برخلاف علوم دیگر به دلیل داشتن زبان غیر صریح و چند لایه، که درک آن برای هر کسی میسر نبوده در روند تاریخ و جریان‌های سیاسی و تحولات فرهنگی- اجتماعی کمتر دچار تحریف شده‌اند. بنابراین، تمامی حوادث و رخداد‌های اجتماعی آن گونه که نویسندگان و شاعران آن‌ها را در دل جمله‌ها و عبارات‌های فشرده با بهره‌گیری از فنون ادبی درج کرده دست‌نخورده باقی مانده است. پس آثار جلال آل احمد و نحوه ی نگرش و نویسندگی او از این قاعده به دور نیست.

برآیند مباحث آشکار می‌سازد که جلال آل احمد با بهره‌گیری از هنر داستان‌نویسی توانسته زوایای پیدای و پنهان جامعه‌ی ایران را از نقطه نظر نهاد‌های اجتماعی و ظرفیت‌های سیاسی و اداری آن به خوبی نشان دهد. فضای ذهنی داستان‌های جلال، تماماً بر آمده از عینیت‌های اجتماعی است. و جلال آل احمد این دو عنصر (فضای ذهنی و عینی) را چنان در داستان‌هایش در آمیخته که خواننده هرگز فاصله‌یی را احساس نمی‌کند.

آنچه در پایان این مقاله لازم به یادآوری است، این است که بررسی جامعه‌شناسی آثار ادبی به مجال وسیع و مطالعه‌ای عمیق نیازمند است و در مجال اندکی که در حوصله یک مقاله می‌گنجد، طرح مباحث اجتماعی عمیق امکان پذیر نیست. لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهشی وسیع جنبه‌های اجتماعی آثار جلال مورد مطالعه قرار گیرند.

و نیز به قول حافظ:

تا که قبول افتد و چه در نظر آید.

صالح و طالع متاع خویش نمودند



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



منابع

- آزاد ارمکی ، تقی و عسگری خانقاه، اصغر (۱۳۷۷) «سهم جلال آل احمد در شکل گیری پژوهش های فرهنگی و اجتماعی ایران». نامه علوم اجتماعی شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۷ ویژه مردم شناسی (صص ۳۰-۹).
- آل احمد، جلال (۱۳۷۹) جلال جاودانه، گردآورنده عبدالرضا جعفری، تهران، تنویر
- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱): از "طبقه" تا "سبک زندگی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- اسکارپیت، روبر (۱۳۸۷): جامعه شناسی ادبیات، ترجمه ی مرتضی کتبی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
- بیرو، الن (۱۳۸۰): فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۷۰): جامعه شناسی و ادبیات (شعر نو در پیوند با تکامل اجتماع)، چاپ اول، تبریز، نویل.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸): نقد ادبی، تهران، فردوس.
- شهبازی، محمد (۱۳۸۶): سبک های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- صارمی، سهیلا (۱۳۸۲): سیمای جامعه در آثار عطار، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲): مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲): تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ دوم.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۹): تأملاتی در جامعه شناسی ادبیات ، تهران، باز(مرکز بازشناسی اسلام و ایران)
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۷): درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات (مجموعه مقالات)، گزیده و ترجمه ی محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران، نقش جهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ی ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- مولایی، مهرداد (۱۳۸۹) ، جامعه شناسی ادبیات فارسی (شعر فارسی از آغاز تا امروز)، رساله کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ویلن، تورستاین (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی.
- ولک، رنه و آوستن وارن (۱۳۸۲): نظریه ی ادبیات، ترجمه ی ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ دوم، تهران علمی و فرهنگی.
- Bourdieu, Pierre (1984): Distinction, Cambridge, Mass., Harvard university press.
- Jensen, mikael (2007): lifestyle: suggesting mechanisms and a definition from a cognitive science perspective, Springer science - business media.
- Adler, A. (1956), T he Individual Psychology of Alfred Adler , NewYork: Basic Books Inc. American Heritage Dic., (2000).